

کشاورزان بر سر دو راهی فنا یا کسب قدرت سیاسی

نویسنده:

مسعود اسدی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: اسدی، مسعود، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: کشاورزان بر سر دو راهی فنا یا کسب قدرت سیاسی / نویسنده مسعود اسدی.

مشخصات نشر: اهواز: پژوهندگان راه دانش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۹۴ ص.: مصور (بخشی رنگی)، جدول، نمونه

شابک: ۷-۳۱۹-۳۴۵-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیا یادداشت: کتابنامه.

موضوع: کشاورزان - ایران - نمونه پژوهی

موضوع: Farmers -- Iran -- Case studies

موضوع: کشاورزی تعاونی - ایران - نمونه پژوهی

موضوع: Agriculture, Cooperative -- Iran -- Case studies

موضوع: جنبش های دهقانی - ایران - تاریخ - قرن ۱۴

موضوع: Peasant uprisings -- Iran -- History -- 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷: ۵ الف ۹ / SF۷۱ رده بندی دیویی: ۶۳۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۵۸۷۵

انتشارات پژوهندگان راه دانش



ناشر: پژوهندگان راه دانش

شماره نشر: ۱۳۲۳

نام کتاب: کشاورزان بر سر دو راهی فنا یا کسب قدرت سیاسی

نویسنده: مسعود اسدی

تیراژ: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

چاپخانه: ترنگ

صفحه آرایشی: پژوهندگان

چاپ اول: ۱۳۹۷

سایز: وزیری

شابک: ۷-۳۱۹-۳۴۵-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

www.ketab.org.ir

حق چاپ و نشر محفوظ است.

طبق قانون حقوق نویسندگان و مصنفان هرگونه کپی برداری به هر روش پیگرد قانونی دارد.

۰۹۱۲۸۸۸۴۹۶۹-۶۶۱۲۰۵۵۴

تهران: خیابان آذر شمالی، ساختمان بعثت، طبقه سوم

۰۹۱۶۱۸۵۱۱۸-۳۳۲۰۲۸۰۲-۳۳۹۰۳۰۱۵

اهواز: کیان پارس، خیابان ۸ غربی، فاز ۳، پلاک ۱۱۴/۱

فہرست

پیشگفتار..... ۱۱

مقدمه..... ۱۷

فصل اول : مبانی تئوریک..... ۱۹

۱-۱-۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰

- نقش سیاسی دهقانان در ایران..... ۳۸
- نمونه‌هایی از قیام‌های دهقانی برای تصریح و تألیف و احقاق حقوق صنفی..... ۴۰
- حزب توده، توده‌های روستایی و اولین تلاش‌ها برای نقش‌آفرین سندیکاهای کشاورزان در سیاست..... ۴۱
- ایجاد اولین سندیکاهای کشاورزی و بیان اولین خواسته‌های صنفی کشاورزان توسط حزب توده..... ۴۱
- ناکامی حزب توده در بسیج کشاورزان و علل آن..... ۴۲
- زمین‌داران هم در نقش استثمار اقتصادی و هم در نقش حافظ اجتماعی و سیاسی کشاورزان..... ۴۸
- تلاش زمین‌داران برای انزوای کشاورزان و روستاییان و احساس نیاز به سندیکاهای کشاورزان برای بر عهده گرفتن مسئولیت حفاظت از کشاورزان..... ۴۸
- نتایج تلاش‌های حزب توده برای ایجاد سندیکاهای کشاورزی در ایران از موفقیت‌های رودگار تا شکست‌های بزرگ..... ۵۰
- سیاسی شدن دهقانان در شیپور..... ۵۲
- نقش جامعه‌شناختی مشارکت در امور سیاسی بر توسعه و لزوم مشارکت سندیکاهای کشاورزی به نمایندگی از قشر عظیم کشاورز در امور سیاسی..... ۶۳
- توسعه..... ۶۳
- توسعه اقتصادی..... ۶۴
- توسعه فرهنگی..... ۶۴
- توسعه سیاسی..... ۶۵
- جایگاه سندیکاها از نظر جامعه‌شناختی به عنوان یک گروه ثانویه..... ۶۶
- گروه‌ها..... ۶۶
- گروه‌های اجتماعی..... ۶۸
- گروه اولیه..... ۶۹
- گروه ثانویه..... ۶۹

فصل دوم: سندیکای کشاورزی و آیین‌نامه اجرایی نظام صنفی..... ۷۱

پیشینه سندیکای کشاورزی بعد از انقلاب اسلامی..... ۷۳

آیین‌نامه اجرایی نظام صنفی کارهای کشاورزی..... ۷۵

تعاریف و کلیات..... ۷۵

نظام صنفی بخش - شهرستان..... ۷۷

نظام صنفی استانی..... ۷۷

هیئت عمومی..... ۸۵

شورای مرکزی..... ۸۶

رئیس نظام صنفی..... ۸۹

تخلفات و ضمانت اجرای مربوط..... ۹۰

نحوه رسیدگی به تخلفات..... ۹۲

اساسنامه نظام صنفی بخش شهرستان..... ۹۷

کلیات و اهداف..... ۹۷

شرایط عضویت، تعلیق، سلب عضویت و منابع مالی نظام صنفی..... ۱۰۲

ارکان نظام صنفی..... ۱۰۵

فصل سوم: مطالعه موردی نقش سندیکای کشاورزی اهواز (۸۷-۹۰) در بیان و

تفہیم خواسته‌های صنفی..... ۱۱۹

استفاده از مطبوعات، جراید و رادیو تلویزیون..... ۱۲۲

استفاده از برگزاری همایش‌ها و نشست‌های هم‌اندیش محدود و گسترده..... ۱۲۴

استفاده از سیستم‌های سایبری و مخابراتی برای ارتباط با اعضا..... ۱۲۴

بکارگیری افرادی از درون خود کشاورزان برای ترویج و تفہیم فرهنگ صنفی و

سندیکایی و همچنین استفاده از ارتباطات شخصی آن‌ها با صاحبان قدرت و

قانون‌گذاران..... ۱۲۵

ایجاد امکان حضور در جلسات نهادهای تصمیم‌ساز..... ۱۲۷

ایجاد سیستم‌هایی برای ترفیع اطلاعات حقوقی کشاورزان و ایجاد بستر مناسب برای

مطالبه‌گری ۱۲۸

ارتباط با مجلس و نهادهای قانون‌گذاری ۱۲۹

ارتباط با دیوانسالاران جهت تصریح و تألیف منافع صنفی ۱۳۰

فصل چهارم: نتیجه‌گیری ۱۳۳

نتیجه‌گیری ۱۳۵

آه‌کارها ۱۴۱

سابقه و مآخذ ۱۴۵

منافع فارسی ۱۴۷

منافع انگلیسی ۱۴۸

پیوست ۱۴۹

پیشگفتار

نگارش این کتاب در شرایطی صورت می‌گیرد که عنوان کتاب یعنی کشاورزان بر دوراهی فنا یا کسب قدرت سیاسی به عریان‌ترین شکل، لزوم و وجوب خود را نشان داده است اما به نظر می‌رسد به دلیل عدم وجود کشاورزان متفکر سیاسی (به سیاسیون متفکر بعضاً کشاورز) یا وجود چنین افرادی و بی‌توجهی به اینکه چه اتفاقی برای کشاورزان و به تبع آن ایران در حال رخ دادن است نظر به‌پردازش نشده است. لذا نگارنده که خود یک کشاورز و کشاورز زاده محسوب می‌شود و بنا بر علایق شخصی تحصیل در رشته علوم سیاسی را انتخاب نمود تصمیم گرفت این موضوع را که به‌زعم نویسنده چنانچه در عنوان کتاب هم آورده در صورت عدم اقدام کشاورزان برای کسب قدرت سیاسی و ورود به مجلس و دولت یا صرفاً گرفتن مجلس و دولت به فناء کشاورزان و بخش کشاورزی کشور و به تبع آن لطمات جبران‌ناپذیر به نظام سیاسی کشور هم ختم خواهد شد به‌طور تخصصی بررسی نماید و یک نمونه عینی از حرکت در این مسیر را نیز در جایی که خود به‌عنوان یک رئیس سندیکای کشاورزی فعالیت کرده به‌عنوان شاهد مثال بیاورد.

کشاورزی ایران که تا قبل از انقلاب سفید خودکفا بود با انقلاب از خودکفایی خارج و مهاجرت گسترده کشاورزان و روستاییان به شهرها را باعث شد. در پایان مراحل اصلاحات ۴۷/۵ درصد جمعیت روستایی که فاقد نسق بودند زمین‌دار نشدند و کسانی هم که صاحب نسق بودند نیز زمینشان کفاف زندگی را نمی‌داد و عده زیادی که تا قبل از انقلاب سفید روی زمین مالک کشاورزی

می کردند و سهم می بردند از آب و تقسیم آب مطمئن، بذر، کود، آلات و ادوات کشاورزی مالک استفاده می کردند بعد از اصلاحات بر روی آب و تقسیم آب دچار مشکل می شدند و دسترسی به ابزار تولید نیز نداشتند. و وام های کشاورزی ارزان دولت هم یا نرسید یا کشاورزان نتوانستند از آن استفاده کنند. نتیجه آنکه عده زیادی از کشاورزان بیکار شدند و برای امرار معاش راهی شهرهای بزرگ شدند و به طور گسترده در حاشیه شهرها و در حلی آبادها مستقر شدند (خفیه صا در تهران) اینان که طبقه متعصب مذهبی هم بودند در هنگام انقلاب پیاده نظام اصلی و یکی از عوامل براندازی حکومت شاه شدند. بدینسان از بعد از اصلاحات از نس کشاوزی و کشاورزان ایران رو به قهقرای بزرگی رفتند تا با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ورق برگشت. رویکرد به شدت استقلال طلبانه نظام جمهوری اسلامی و همچنین نگاه کاملاً مثبت رهبری و روحانیت حاکم بر نظام به کشاورزان، کشاورزی و تولید داخلی باعث شد که حمایت های گسترده از کشاورزان در دستور کار دولت قرار گیرد. اندکی بعد وقوع جنگ تحمیلی و نیاز به تأمین مواد غذایی مطمئن و همچنین نبود بخش های رقیب قدرتمند (صنعت، بازرگانی، خدمات) که تقریباً در اوایل انقلاب و دهه اول به نوعی حتی ضد گفتمان انقلاب و سرمایه داری محسوب می شدند باعث شد که تمام دروازه های خزانه و امکانات کشور بر روی تک فرزند اقتصاد کشور یعنی کشاورزی باز شود کشاورزان ایران در این دهه طلایی شاهد حمایت های بشدت سخاوتمندانه و بی سابقه دولت قرار گرفتند، علاوه بر اقدامات عمرانی در روستاها و مناطق کشاورزی مانند احداث راه، پل، خطوط برق، ایجاد خانه های بهداشت و غیره که زندگی را برای کشاورزان راحت می کرد سیل کمک های دولت شامل انواع وام های کم بهره یا بی بهره، اعطاء تراکتور،

کمباین، کود مجانی، سم مجانی دادن جایزه‌های بزرگ مانند پیکان، نیسان، کمپرسی، تراکتور به کشاورزانی که حدود مشخصی گندم تحویل دولت می‌دادند هم تولیدات کشاورزی کشور را دچار جهش کرد هم کشاورزان را به عنوان تک فرزند لوس بار آورد کرد با پایان جنگ و روی کار آمدن تکنوکراتها در دولت سازندگی هرچند حمایت‌ها همچنان ادامه داشت اما یک اتفاق دیگر هم افتاد و آن تولد یا از سایه بیرون آمدن سایر برادران و در حقیقت رقبای بخش کشاورزی در عرصه اقتصاد کشور بودند که با سرعت و قدرت شروع به رشد کردند. ایجاد کارخانه‌های صنعتی بی‌شمار، فعال شدن بازرگانی داخلی و خصوصاً خارجی و فعال شدن بخش خدمات باعث شد که کشاورزی و کشاورزان که تا قبل از این تک فرزند برومند اقتصاد کشور بودند و همه امکانات و مواهب را به خود اختصاص می‌داد شاهد حضور برادران و رقبای باشد که آن‌ها هم سهم می‌خواستند و لاجرم باید این بودجه‌ها و حمایت‌ها را در بخش کشاورزی کم می‌شد و به آن‌ها داده می‌شد و این شروع افول اقبال کشاورزان در عرصه اقتصاد کشور بود. در شرایط عادی بخش کشاورزی می‌باید می‌توانست در عرصه رقابت برای کسب بودجه‌ها و حمایت‌های دولتی به راحتی رقبای تازه متولد شده خود یعنی صنعت، بازرگانی و خدمات را شکست داده و همچنان به عنوان بزرگ اقتصاد خانواده سروری کند اما متأسفانه به دلیل اینکه در یک دهه اول دهه ۱۳۷۰ به دهه دوم کشاورزان بدون هیچ گونه تلاشی برای وادار کردن دولت و قدرت به حمایت از خود شاهد حمایت‌های بی‌دریغ و سیل‌آسا و حتی در شکلی نادر در جهان کمک‌های بلاعوض اجباری به خود بودند جامعه کشاورزان ایران به این اقناع فکری رسیدند که حمایت از آن‌ها ابدی و جزء لاینفک سیاست‌های هر دولتی است و بدون آنکه نیاز به حتی بیان خواسته‌ای باشد دولت آن را برایشان فراهم

می‌کند. (امری که در دهه اول واقع بود) به همین دلیل این فرزند برومند اقتصاد کشور هرچند از لحاظ تولید و شکوفایی موفق بود ولی در بیان خواسته‌ها و یا ایجاد قدرت جهت اخذ و وصول خواسته‌هایش کاملاً ضعیف، لاش و ناتوانبار آمده بود و شاید عامیانه لوس هم بدان می‌توان گفت به نحوی که دقیقاً در این مورد کشاورزان کشور را می‌تواند به یک موجود قطع نخاعی تشبیه کرد که اگر آب و غذا به او داده شود زنده می‌ماند و گرنه خود هیچ توانی برای ابتیاع یا وادار کردن اطرافیان به دادن آب و غذا ندارد مگر برانگیختن حس ترحم. در مقابل با روش‌شن فضای سیاسی کشور و امکان حضور افراد و طیف‌های مختلف در انتخابات، صنایع و بازرگان موفق شدند با امکانات مالی خود در انتخابات‌های مجالس کاندیداهای بود را به مجلس بفرستند و همچنین با در اختیار داشتن رسانه‌ها و لابی‌های سیاسی خصوصاً حضور در مرکز قدرت (تهران) سیاست‌های دولتی را به دست حمایت حداکثری از خود جلب کنند و بدین ترتیب سال به سال از حمایت‌های بنس کشاورزی کاسته شد. و در مقابل کشاورزان کشور هیچ‌گونه تأکید می‌کنم هیچ‌گونه نقش در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی نظام نداشتند و در روز مزایع خود صرفاً با همان خاطرات خوش زندگی می‌کردند و کم‌کم حمایت‌ها از کشاورزان یکی یکی قطع شد، یارانه‌های بخش کلاً حذف و یا ناچیز که به زودی به صفر می‌رسد و کماکان و حتی تا به امروز در تفکر خود بخش کشاورزی را فرزند در خانه دولت‌ها می‌دانند. حال آنکه دولت‌ها اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب که توسط دولتمردان تکنوکرات دانشگاهی بعضاً دانش‌آموخته غرب اداره می‌شدند آینده درخشان ایران را در صنعتی شدن می‌دیدند آن‌ها اعتقاد دارند جمعیت فزاینده جویای کار ایرانی را در کشور خشک و نیمه‌خشک ایران نمی‌توان با کشاورزی شاغل کرد آن‌ها اعتقاد

دارند کشاورزی و تولیدات کشاورزی نمی‌تواند تولید ناخالص ملی ایران را انفجارگونه افزایش دهد. آن‌ها اعتقاد دارند منابع را باید در صنعت، بازرگانی و خدمت سرمایه‌گذاری کرد البته آن‌ها این دیدگاه‌ها را نه از روی عناد با کشاورزان بلکه به منظور اعتلاء میهن و نظام اتخاذ می‌کنند و قطعاً در نیت خیر آن‌ها تردیدی نیست. الگوی فکری آن‌ها آلمان و کره جنوبی است نه هلند و استرالیا.

اما بحث این کتاب این است که کشاورزان ایران در مقابل این سیاست‌ها دولتمردان را عبور از کشاورزی چه توان و قدرتی دارند؟ آیا کوچک‌ترین لابی مستقل کشاورز محور در مجلس و دولت وجود دارد؟ آیا همانند کشورهای پیشرفته کشاورزی جهان کشاورزان در مجلس و دولت دارای نمایندگان مشخص و با برند هستند به صرفاً منافع کشاورزان را پیگیری کنند؟ آیا رسانه‌های مستقلی در اختیار کشاورزان وجود دارد؟ که جواب همه آن‌ها خیر است. پس نگارنده این است که با ادامه این وضع و خصوصاً وقوع خشکسالی‌ها گسترده در کشور کشاورزان راه بیشتر ندارند یا با ایجاد احزاب مستقل کشاورزی (نه احزاب فرمایشی و وابسته به جریان‌ها و احزاب و یا مسئولین دولتی که صرفاً برای امتیازگیری‌های شخصی یا جناحی از نام کشاورز استفاده می‌شود) در یک حرکت ملی از طریق انتخابات مجلس با فرستادن نمایندگان صرفاً قسم خورده و وابسته به کشاورزان (نه حمایت از نمایندگانی که دم انتخابات خود را نوکر کشاورزان معرفی می‌کنند و بعد انتخابات با خود را می‌روند و با هزار حزب و جناح دیگر هم مشترک هستند) در مجلس و دولت صاحب قدرت تصمیم‌گیری شوند (امری که در نمونه مثال نگارنده محقق شد و نایب‌رئیس صنف کشاورزان نماینده اول آن شهرستان در مجلس شد در حالی که یک کشاورز ساده بیش نبود) و همچنین با ایجاد رسانه‌های قدرتمند

ملی از قبیل خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های سراسری قوی صاحب تریبون شوند (امری که نمونه آن در یک منطقه توسط نگارنده تحقق یافت) و با استفاده از این ابزارهای سیاسی و کسب جایگاه سیاسی معین در حاکمیت دولت و کشور حقوق خود را استیفاء نمایند و یا اینکه با این نحوه سیاست‌گذاری سیاستمداران کشور در دولت اعم از چپ و راست به‌زودی شاهد نابودی و تضعیف غیرقابل وصف نزدیک به فنای بخش کشاورزی در ایران خواهیم بود امری که اگر حمایت‌ها و سیاست‌های به‌شدت حامیانه مقام معظم رهبری از بخش کشاورزی عرصه ما در بحث خودکفایی محصولات استراتژیک و حمایت از تولید داخلی نبود، اکنون به‌دولت کامل تحقق یافته بود. نگارنده در این کتاب به حرکت تشکیلات علمی کشاورزی تحت رهبری خود در یکی از شهرستان‌های کشور به‌عنوان مدلی که الی به اصلاح و تقویت می‌تواند محقق‌کننده این آرمان در سراسر کشور باشد اشاره کرده و متذکر می‌شود از بین رفتن طبقه کشاورزان کشور می‌تواند به یک فاجعه ملی تبدیل شود چرا که در شرایطی که صنایع، بازرگانی و خدمات کشور خصوصاً صنایع علی‌رغم حمایت‌های هم‌جانبه دولت‌ها نتوانسته‌اند توفیقی کسب نمایند، زمینه بازار کار برای رها کنندگان شغل کشاورزی باشند بیکاری میلیون‌ها کشاورز و خالی شدن روستاها (امری که به‌سرعت در حال انجام است) باعث ایجاد بحران ناشی از بیکاری شهرها، بحران امنیتی (تصور کنید فقط نیم درصد بیکاران بخش کشاورزی برای سیر کردن شکم خانواده خود به جرم روی بیاورند) و ده‌ها بحران دیگر می‌شود.

مسعود اسدی